

اقسام حدیث

<?xml encoding="UTF-8">

قدمای امامیه، خبر را به صحیح و غیر آن تقسیم می کردند و برای صحیح نزد آنان شرایطی بوده است و اجمالاً خبری را که افراد مورد اطمینان و وثوق نقل کنند یا مقارن و معتضد به جهاتی باشد که موجب وثوق گردد، صحیح می دانستند، ولی محدثین اهل سنت از دیر زمان حدیث را به سه نوع اصلی منقسم می کردند: صحیح و حسن و ضعیف.

اصطلاح مزبور، با اضافه قسم چهارمی به نام موثق، از زمان سید بن طاووس (1) به نقل صاحب معالم در منتقی الجمان یا علامه حلی (2) (به نقل شیخ بهایی در مشرق الشمسین) بین امامیه نیز معمول گردید. شهید ثانی و شیخ بهایی قسم پنجمی بر این اقسام افزوده اند و آن حدیث قوی است.

قوی

خبری است که تمامی افراد زنجیره حدیث، امامی مذهب باشند، گر چه نسبت به بعضی از آنان مدح و ذمی نرسیده باشد، مانند نوح بن دراج. (3)

صحیح

خبری است که سلسله سند توسط رجالی موثق (4) و امامی مذهب به معصوم متصل گردد. (5)
(الف) اهل سنت و جمعی از امامیه، مانند والد شیخ بهایی، قید عدم شذوذ و عدم علت را در تعریف، اضافه کرده اند. مراد از شذوذ آن است که با حدیث مشهور معارض نباشد و منظور از علت، عبارت است از عیب غیر آشکاری که موجب ضعیف حدیث شود، چون ارسال سند که به حسب ظاهر مسند باشد.

(ب) بعضی چون بخاری در صحیح، ملاقات راوی را با مروی عنه نیز شرط صحت دانسته اند، ولی این شرط نزد مسلم و دیگران از اهل سنت و نیز نزد امامیه معتبر نیست، منتهای روایت شخصی از دیگری، ظهور در ملاقات و اخذ از وی دارد و وجود واسطه بین راوی و مروی عنه خلاف ظاهر است.

(ج) شافعی و سخاوی و به تبع آنان جمع دیگری از پیشوایان اهل سنت، مذهب خاصی را شرط قبول روایت ندانسته و روایات ثقات مذاهب را قبول دارند (ر.ک: قواعد التحذیث ص 164) خطیب بغدادی از علی بن مدینی (از پیشوایان حدیث اهل سنت است) نقل می کند که می گفت: اگر حدیث اهل کوفه را به جهت تشیع رد کنیم، کتابهای حدیث از بین می رود. (الکفایه خطیب ص 129).

تبصره 1. در توثیق راوی چنانچه علت آن ذکر نشود، همان کافی است، ولی اگر علت یاد شود، باید در آن دقت و بررسی کرد و چه بسیاری از جهات که برای تعدیل و توثیق راوی ذکر شده که برای این منظور کافی نیست، مانند وکالت از امام یا داشتن کتاب (له اصل او کتاب) و مانند اینها. (رجوع کنید به مقدمه رجال آیت الله خویی).
تبصره 2. صحیح گاهی به حدیثی که سلسله راویان آن مذموم نباشند، اطلاق گردیده، اگر چه مرسل یا منقطع

باشد.

تبصره 3. صحیح مضاف، حدیثی است که روات آن تا شخصی که حدیث از وی نقل می شود، صحیح باشد، گر چه سلسله سند از آن شخص تا معصوم، صحیح نباشد، چه مرسل باشد یا منقطع یا غیر آن دو، مثلاً گفته شود: صحیحة ابن ابی عمیر عن رجل عن ابی عبد الله.

تبصره 4. گاهی نیز صحیح بر حدیثی که سالم از طعن باشد، اطلاق شده گر چه مرسل یا مقطوع باشد یا بعضی روات آن غیر امامی باشند، مثلاً می گویند صحیحة ابن ابی عمیر با اینکه روایت مزبور مرسل است، یا اینکه علامه در خلاصة الاقوال فرموده: طریق صدوق در من لا یحضره الفقیه به معاویة بن میسر... صحیح است با اینکه وی توثیق نشده و همچنین نقل اجماع نموده اند بر صحت حدیثی که با شرایط صحت از ابان بن عثمان یا دیگر اصحاب اجماع (ر.ک: اصحاب اجماع) نقل شود، با اینکه ابان خود فتحي مذهب است.

تبصره 5. صحیح، به اعتبار مراتب بر سه قسم است: 1. اعلی که اتصاف تمامی راویان به وثاقت، به علم یا به شهادت دو عادل باشد. 2. اوسط: در صورتی است که اتصاف به وثاقت یک نفر یا همه راویان زنجیره حدیث، به قول یک عادل صورت گیرد 3. ادنی: درجایی است که اتصاف مزبور به ظن اجتهدی تحقق یابد (6) تبصره 6. مراتب صحیح نزد اهل سنت بدین قرار است:

الف) حدیثی است که با وجود شرایط صحت در هر دو صحیح (بخاری و مسلم) آمده باشد و معمولاً چنین حدیثی را متفق علیه و صحیح اعلی می نامند.

ب) حدیثی است که فقط در صحیح بخاری ذکر شده باشد.

ج) حدیثی است که تنها در صحیح مسلم آمده باشد.

د) حدیثی است که واجد شرایط شیخین (بخاری و مسلم) باشد، ولی در صحیحین ذکر نشده باشد.

تبصره 7. چنانچه حدیث به یکی از جهات ذیل تایید شود، نزد کلیه علماء مقبول است. امور مزبور، عبارت است از تایید و اعتضاد حدیث به دلیل قطعی مانند عموم کتاب الله یا فحوائی حکمی که در قرآن آمده یا خبر متواتر. تبصره 8. حدیث (گر چه از لحاظ سند صحیح باشد) به واسطه مخالفت با مضمون کتاب یا سنت یا اجماع یا به جهت اعراض اکثر علماء از مضمون آن یا به واسطه معارضه با خبر قوی تر مردود می گردد. (7)(8)

حسن (9)

خبر متصلی است که تمامی سلسله سند امامی مذهب و ممدوح باشند، (10) ولی تنصیص بر عدالت هر یک نشده باشد یا بعضی ممدوح و بقیه ثقه باشند. (11)

گاهی حسن بر روایتی که روات آن تا یک نفر معین، متصف به وصف مزبور باشد اطلاق شده است. (12)

حسن کالصحیح

روایتی است که راجع به راویان آن مدحی که تالی وثاقت است ذکر شده باشد یا راوی از اصحاب اجماع باشد. (راجع به اصحاب اجماع، رجوع کنید به علم الحدیث پاورقی ص 119)

حسن الاسناد

در اصطلاح اهل سنت روایتی است که سند آن حسن باشد، ولی متن حدیث به واسطه شذوذ یا علت، حسن

نباشد.

موثق

موثق خبري است که نسبت به کلیه افراد سلسله سند در کتب رجال شیعه (13) تصریح به وثاقت شده باشد، اگر چه بعضی از افراد زنجیره حدیث غیر امامی باشند، مانند علی بن فضال و ابان بن عثمان. گاهی از روایت موثق به قوی تعبیر شده است. (14)

ضعیف

خبري است که شروط یکی از اقسام نامبرده (صحیح، حسن، موثق، قوی) در آن جمع نباشد، (15) ولی گاهی ضعیف بر روایت مجروح، اطلاق شده. (16)(17) انواع ضعیف بدین قرار است:

موقوف، مقطوع و منقطع، معضل، شاذ، منکر، متروک، معلل، مضطرب، مقلوب، مدلس، مرسل (قواعد التحذیر، ص 40 و 120).

تبصره 1. ضعیف به اصطلاح اهل سنت، حدیثی است که صحیح و حسن نباشد. در بیقونیه آمده (و کل ما عن رتبة الحسن قصر فهو الضعیف و هو اقساماً کثر). هر حدیثی که در مرتبه نازلتر از حسن باشد، ضعیف است و اقسام ضعیف زیاد می باشد.

تبصره 2. در شرح بیقونیه فرماید: فاقد شروط قبول را ضعیف نامند و شروط قبول شش امر است: 1. اتصال سند، 2. عدالت، 3. ضبط، 4. فقدان شذوذ، 5. فقدان علت، 6. فقدان روایت معارض. آنگاه اقسام ضعیف را به اعتبار فقدان هر یک از شروط نامبرده بازگو می نماید. تبصره 3. موجبات ضعف حدیث به قرار ذیل است:

1. کذب راوی در حدیث که موسوم است به (موضوع)، 2. اتهام وی به کذب که موسوم است به (متروک)، 3. کثرت خطای وی که موسوم است به (منکر)، (18) 4. غفلت راوی از اتقان در نقل که موسوم است به (منکر)، 5. فسق راوی، که چون بیشتر موجب جعل حدیث می شود موسوم است به (موضوع)، 6. روایت راوی بر سبیل توهم (19) که موسوم است به (معلل)، 7. مخالفت در نقل روایت به اثقات که اگر به واسطه تغییر سند باشد موسوم است به (مدرج)، 8. مجهول بودن راوی که موسوم است به (مجهول)، 9. بودن راوی از اهل بدعتی که ناشی از شبهه باشد که موسوم است به (متروک)، 10. کم حافظگی راوی که اگر همیشگی باشد، موسوم است به (شاذ) و اگر به واسطه پیری و عوارض دیگر باشد، موسوم است به (مختلط). (20)

حدیث ضعیف به اصطلاح قدمات و متاخرین

باید دانست که بسیاری از احادیث ضعیف، طبق اصطلاح متاخرین، در شمار احادیث صحیح به عقیده قدماتی امامیه است، زیرا آنان ملاک صحت را وثوق و اعتماد به صدور حدیث از معصوم می دانستند و چنان که گفتیم، پاره ای از احادیث ضعیف (قسم چهارم) مورد اعتماد پیشوایان علم حدیث بوده، همان طور که اعراض قدمات، خود از موجبات ضعیف حدیث بوده است، اگر چه در آن جهات ضعیف مشهود نباشد، زیرا اصطلاح متاخرین به اغراض عین و ندیده گرفتن قراین و ضمایم خارجی است، از این رو، چون احادیث موثق الصدور به واسطه

پي نوشت ها :

1. قواعد التحديث، ص 79. تدريب الراوي، ص 14.
2. محدثين اهل سنت حديث را به سه نوع اصلي منقسم مي دانند: صحيح و حسن و ضعيف، بنابر اين، موثق نزد آنان در شمار مصطلحات نيست. (ر.ک: شرح زرقاني بر بيقوينيه، ص 14) .
3. فان بلغت سلاسله في كل طبقه حدا يؤمن معه تواطنهم علي الكذب فمتواتر و يرسم بانه خبر جماعه يفيده بنفسه القطع بصدقه (وجيزه) .
- الخبر اما ان يكون له طرق بلا عدد فمتواتر و هو المفيد للعلم اليقيني بشروط (شرح نخبه) .
- نزد محققين، عدد معين در بلوغ به حد تواتر شرط نيست. ابن حجر در شرح نخبه فرمايد: لا معني لتعيين العدد علي الصحيح و منهم من عينه في الاربعة قيل في الخمسة و قيل في العشرة و قيل في الاثني عشر و قيل في الاربعين و قيل في السبعين.
4. شهيد ثاني در درايه و پسرش در معالم الاصول.
5. مانند ابن قبه و سيد مرتضي كه اولي حتي عمل به آن را مخالف عقل مي شمارد. (ر.ک: معارج محقق و به رسائل شيخ انصاري، اوائل باب حجيت ظن) اين نسبت به جمعي مانند شيخ طوسي و محقق حلي داده شده است. (ر.ک: به همين مدرک) .شيخ بهايي در وجيزه فرمايد و قد عمل بها المتأخرون وردها المرتضي و ابن زهره و ابن البراج و ابن ادريس و اكثر قدمائنا...و لعل كلام المتأخرين عند التأمل اقرب.ايضا فرمايد: و الشيخ علي ان خبر المتواتر ان اعتضد بقرينة، الحق بالمتواتر في ايجاب العلم و وجوب العمل، و الا فيسميه خبر آحاد و يجيز العمل به تارة و منعه اخري.
- شهيد ثاني در درايه خود مي فرمايد: تمام كساني كه خبر واحد را حجت مي دانند، به خبر صحيح، مشروط بر اين كه شاذ يا معارض با خبر صحيح ديگري نباشد، عمل مي كنند، منتها بعضي مانند شيخ، خبر حسن، و جمعي چون محقق در معتبر و شهيد در ذكرى، خبر موثق را نيز حجت مي دانند. بعضي نيز به خبر ضعيف - اگر مورد عمل مشهور اصحاب بوده باشد - عمل نموده و حتي بر خبر صحيحي كه شهرت عملي نداشته مقدم مي دارند، سپس ضمن تحقيقي مي فرمايد: شهرت عملي بين اصحاب ممكن نيست، چه اينكه قبل از شيخ طوسي، جمعي چون سيد مرتضي عمل به خبر واحد را منع مي كنند و جمعي بدون در نظر گرفتن شرايط صحت حديث، هر گونه حديثي را جمع و تدوين نموده اند و پيدا نمودن فتاوي عالمان فقه بدون در نظر گرفتن حال اين دو فريق، ممكن نيست، منتها شيخ، چون در كتب فقهيه خود به بعضي اخبار ضعيف عمل نموده و ديگران نيز از وي پيروي کرده اند، گمان شده كه عمل به چنين احاديثي، مشهور است. در صورتي كه اصل عمل، به شيخ طوسي برگشت مي كند. (درايه شهيد، ص 29)
6. اول كسي كه راجع به حجيت خبر واحد سخن گفته، شافعي در (الرساله) است و از علماي پيشين اماميه سيد مرتضي در الذريعة و شيخ طوسي در عدة الاصول و از متأخران شيخ انصاري در فرائد الاصول به تفصيل در اين زمينه بحث نموده اند. از اهل سنت ابن حجر نيز به تفصيل در فتح الباري (ضمن شرح باب ما جاء في اجازة خبر الواحد) سخن گفته است.

7. حتي شهيد ثاني تواتر را در هيچ حديثي ثابت نمي داند و فقط حديث (من كذب علي متعمدا فليتبوا مقعده من النار) را ممكن التواتر مي شمارد. والد شيخ بهايي نيز حديث غدیر را متواتر مي داند، ولي جمعي احاديث متواتر را فزون تر از اين مي دانند و در مورد عده اي از اخبار قايل به تواتر شده اند.
- اما حديث (من كذب) را 62 نفر از صحابه از پيغمبر نقل نموده اند و در طبقات بعدي بر عده ناقلين افزوده شده. (ر.ك: درايه شهيد ثاني، ص 16، وصول الاخبار، ص 77، علوم الحديث، ص 150).
8. محقق قمي براي متواتر معنوي اقسامی تصوير کرده که در (مقياس الدرايه) از وي بازگو شده است.
9. سيد بن طاووس، جمال الدين احمد بن موسي بن جعفر بن طاووس (متوفاي 637 هـ.) که در فقه و رجال صاحب تاليفاتي است. وي برادر رضي الدين علي است که در کتب دعا معمولاً از وي به سيد بن طاووي تعبير شده است.
10. حسن بن يوسف بن مطهر حلي معروف به علامه و ملقب به آيت الله از بزرگان اماميه و شاگرد محقق حلي (صاحب شرايع) است که کتب گرانمايه اي در فقه و اصول و رجال تاليف فرموده وفاتش در سال 726 هـ. در سن 77 سالگي واقع شد. در نخبه المقال فرموده:
- و آية الله ابن يوسف الحسن سبط مطهر فريده الزمن علامة الدهر جليل قدره ولد رحمة (648) و عز (77) عمره
11. و قد يطلق القوي علي ما يروي الامامي غير الممدوح و لا المذموم (درايه شهيد، ص 26...) : او مسكوت عن مدحهم و ذمهم فقوي (وجيزه) :
12. الفاظي که مفيد توثيق راوي است، عبارت است از: ثقه، عين، وجه، مشكور، شيخ الطائفه، حجة. عين: به معني ميزان است چنان که حضرت صادق از ابو الصباح كنان به ميزان تعبير فرمود. وجه: به اعتبار توجه مردم به وي براي اخذ حديث و معالم دين استعمال مي شود (شعب المقال نراقي 10). خطيب در كفايه فرموده: بهترين الفاظ مدح عبارت است از حجة، ثقة.
13. سلسله السند امام اماميون ممدوحون به التعديل، فصحيح و ان شذ (وجيزه). اهل سنت عدم شذوذ و عدم علت را نيز در صحت حديث شرط مي دانند.
- ابن حجر (در شرح نخبه الفكر، ص 12) فرمايد: خبر الاحاد بنقل عدل تام الضبط متصل السند غير معلل و لا شاذ، هو الصحيح، نووي در تقريب فرمايد: هو ما اتصل سنده بالعدول الضابطين من غير شذوذ و لا علة، ص 14. بيقوني فرمايد:
- (اولها الصحيح و هو ما اتصل اسناده و لم يشذو لم يعل) (يرويہ عدل ضابط عن مثله معتمد في ضيطة و نقله) .
14. منظور از ظن اجتهادي، احتمال راجحي است که از استصحاب عدالت يا اصالة عدم الفسق يا ظاهر الحال، حاصل شود.
15. وصول الاخبار، ص 80.
16. راجع به تعارض دو خبر رجوع كنيد به (علم الحديث) تاليف نگارنده.
17. روايت حسن از آن جهت بدین نام مسمي شده است که نسبت به اسناد آن حسن ظن داريم.
18. حسن به اصطلاح اهل سنت خبر مسندي است که راويان آن، نزديک به درجه وثاقت باشند يا حديث مرسلي است که مرسل آن ثقه باشد، ولي در هر حال بايد خالي از شذوذ و علت باشد، (قواعد التحديث، ص 102) قال الخطابي: هو ما عرف مخرجه و اشتهر رجاله و عليه مدار اكثر الحديث و يقبله اكثر العماء و استعمله عامة الفقهاء، (مقدمه ابن صلاح، ص 15. تقريب النواوي، ص 87). سيوطي در شرح عبارتي که از خطابي نقل گرديده،

می گوید: فاخرج بمعرفة المخرج، المنقطع و حديث المدلس قبل بيانه (تدريب الراوي، ص 87) .
زرقانی روایت حسن را دو قسم نموده: حسن لذاته و حسن لغيره. و اولی را چنین تعریف نموده: «هو ما اشتهر رواه بالصدق و الامانة و لم تصل في الحفظ و الاتقان رتبة رجال الصحيح» (شرح بیقونیه، ص 24)، بنابر این می توان گفت: حدیث حسن به اصطلاح فریقین حدیث نازل تر از صحیح است، لذا در مقدمه ابن صلاح آمده: چنانچه راوی حدیث از درجه اهل حفظ و اتقان پایین تر باشد، ولی مشهور به صدق و ستر باشد، حدیث مزبور حسن است.

19. الفاظ مفید مدح: متقن، حافظ، ظابط، مشکور، زاهد، قریب الامر، (ر.ک: رواشیح السماویه، ص 59- رجال کنی - مقدمات رجال بو علی، ص 12- درایه مروج) .
20. چنان که علامه، طریق صدوق را در من لا یحضره الفقیه به سماعة بن مهران حسن شمرده. با این که سماعه واقفی مذهب است. (درایه شهید، ص 25)
21. قید مزبور (تصریح به وثاقت در کتب شیعه) از این لحاظ است که نسبت به بعض راویان حدیث در کتب رجال اهل سنت تصریح به وثاقت شده است، ولی از این رو که آنان کلیه صحابه را عادل می دانند و به جهات دیگر، این تعدیل از نظر امامیه معتبر نیست.